

به نام خدا

زمینه‌ها و پیامدهای رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	۱. سیری در تحولات تاریخی و تغییرات قانون اساسی در ترکیه
۸.....	۲. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه
۱۰.....	۳. محورهای رفراندوم قانون اساسی
۱۳.....	۴. پیامدهای رفراندوم قانون اساسی در ترکیه
۲۶.....	۵. رفراندوم ترکیه و اهمیت آن برای ایران
۳۱.....	نتیجه‌گیری
۳۳.....	پی‌نوشت‌ها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۵۵۶

دفتر: مطالعات سیاسی

آذرماه ۱۳۸۹



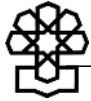
زمینه‌ها و پیامدهای رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه

چکیده

برگزاری رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه از مهمترین رخدادهای سیاسی دهه‌های اخیر در این کشور به حساب می‌آید. این رفراندوم که با مناظرات و مجادلات گسترده‌ای همراه بود نقطه عطفی در سیر تحول نظام سیاسی ترکیه قلمداد شده است که می‌تواند تأثیرات چشمگیری بر مسائل داخلی و سیاست خارجی این کشور بر جای بگذارد. کاهش استیلاي نظامیان بر امور سیاسی و نیز نزدیک‌تر شدن ترکیه به استانداردهای مورد نیاز برای عضویت در اتحادیه اروپا از مهمترین آثار برگزاری این رفراندوم به‌شمار می‌رود. نتیجه آن می‌تواند ارائه چهره جدیدی از ترکیه در نظام بین‌الملل باشد.

مقدمه

برگزاری رفراندوم قانون اساسی در ترکیه که با رأی مثبت ۵۸ درصد از مردم این کشور به تصویب رسید، رخدادی مهم در تاریخ تحولات سیاسی این کشور محسوب می‌شود. اهمیت این اتفاق تا حدی است که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران آن را آغازی برای تغییر چهره نظام سیاسی ترکیه دانسته و برخی دیگر از تولد یک ترکیه جدید در نتیجه این رفراندوم خبر می‌دهند.



استدلال آن است که این رفراندوم می‌تواند به کنار رفتن سایه مسلط نظامیان از حوزه سیاست منجر شود. این امر خود محرک ورود به یک عصر جدید از حیات سیاسی در ترکیه و مقوم بنیان‌های مردم‌سالاری و روندهای دموکراتیک در این کشور خواهد بود. در واقع چنانچه ترکیه را در موقعیت یک بازیگر درحال گذار، خاصه به سمت ویژگی‌های یک دولت دموکراتیک بدانیم، این رفراندوم نقش مؤثری در سرعت بخشیدن به این فرآیند و شتابان کردن روند آن خواهد داشت.

جدا از تأثیرات و پیامدهای داخلی این واقعه، استدلال می‌شود که رفراندوم اخیر، همچنین می‌تواند بر روابط خارجی ترکیه تأثیر بسزایی داشته باشد. این موضوع به‌ویژه در این چارچوب مورد بحث قرار می‌گیرد که رأی مثبت مردم ترکیه به تغییر برخی مواد قانون اساسی می‌تواند روند پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا را که خواست دیرین دولتمردان این کشور بوده است هموارتر سازد. این امر بیشتر بدان جهت است که تغییرات اخیر موجبات نزدیک‌تر شدن ترکیه به استانداردهای مورد نظر اتحادیه اروپا را فراهم ساخته است. استقبال مقامات اروپایی از نتیجه این رفراندوم ازسوی بسیاری از کارشناسان به‌عنوان نشانه‌ای از تسهیل فرآیند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود. در عین حال برخی تحلیلگران مایلند رفراندوم اخیر در ترکیه و نتایج به‌دست آمده از آن را در چارچوب تحلیل‌های مرتبط با تقابل دو رویکرد سیاسی متعارض در داخل ترکیه مورد بحث قرار دهند از نظر آنها نتیجه این رفراندوم پیروزی دیگری برای اسلام‌گرایان در برابر لائیک‌هاست.

این امر قطعاً واکنش‌هایی را ازسوی لائیک‌های ترکیه که در ارتش و قوه قضائیه این کشور نفوذ دارند به‌دنبال خواهد داشت. کنش و کشاکش سیاسی از این دست،



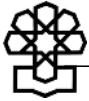
جامعه ترکیه را در معرض تحولات جدیدی قرار خواهد داد.

بدین ترتیب برگزاری رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه از جهات مختلف داخلی و خارجی حائز اهمیت قلمداد شده و نقطه عطفی در تاریخ تحولات این کشور ارزیابی شده است. این امر بررسی دقیق ابعاد مختلف مرتبط با رفراندوم اخیر در ترکیه را ضروری می‌سازد. گزارش حاضر تلاش دارد تا این موضوع را در جنبه‌های مختلف آن مورد بحث قرار دهد.

۱. سیری در تحولات تاریخی و تغییرات قانون اساسی در ترکیه

ترکیه در یک سده اخیر آستان تحولات مختلف و مهمی بوده است. تحلیل جامع وقایع سیاسی سال‌های اخیر در ترکیه و به‌ویژه برپایی رفراندوم قانون اساسی نیازمند بررسی این سیر تاریخی است. این بررسی ریشه‌های اصلی تحولات جدید ترکیه را شرح می‌دهد. نخستین قانون اساسی ترکیه در اواخر امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۷۶ میلادی تحت تأثیر موج تمایلات آزادیخواهی که ناشی از انقلاب‌های مردمی در اروپا و آمریکا به‌ویژه انقلاب کبیر فرانسه بود تحت عنوان مشروطیت شکل گرفت اما دیری نپایید که پادشاه عثمانی اجرای آن را به حالت تعلیق درآورد، با این حال فعالیت‌های روشنفکری و حاکمیت قانون توسط گروهی از روشنفکران در امپراتوری عثمانی از جمله «مدحت پاشا» و همفکران او ادامه یافت و منجر به مشروطیت دوم در امپراتوری عثمانی و تدوین قانون اساسی ۱۹۰۸ شد.

در این قانون بر حکومت مجلس تأکید و در آن اختیارات شاه محدود و اختیار قانونگذاری به مجلس داده شده بود و همچنین حقوق سیاسی مردم به رسمیت



شناخته شده بود. ولی عمر مشروطیت دوم نیز دیری نپایید که امپراتوری عثمانی وارد جنگ جهانی اول شد و به لحاظ حالت فوق‌العاده در کشور عملاً اجرای این قانون اساسی نیز میسر نشد. ضعف و پریشانی امپراتوری عثمانی که در اثر جنگ‌های طولانی در اروپا و مستعمرات خود قدرت نظامی آن رو به تحلیل و فرسایش رفته بود و اعلام استقلال مستعمرات واقع در حوزه بالکان و ازسوی دیگر، ضعف‌های ناشی از وجود فساد و عدم لیاقت و مدیریت در دربار امپراتوری عثمانی، سبب شد تا این کشور عملاً به اشغال نیروهای بیگانه درآید.

در این زمان، مصطفی کمال پاشا (آتاترک) که در ارتش امپراتوری عثمانی به‌عنوان یک افسر و فرمانده جنگ مشغول نبود و مبارزه با بیگانگان بود، با ایده نجات کشور از دست بیگانگان و تشکیل یک کشور مستقل ترک با بسیج احساسات مذهبی و وطن‌پرستی مردم به مبارزه و نبرد با اشغالگران پرداخت و توانست در سال ۱۹۱۹ پس از نبردهای خونین با نیروهای اشغالگر آنها را به عقب براند و بدین ترتیب، باقیمانده امپراتوری عثمانی را تحت عنوان کشور مستقل جمهوری ترکیه امروزی اعلام موجودیت کند. نخستین قانون اساسی جدید ترکیه با حضور نمایندگان گروه‌های مردمی از صنوف گوناگون در سال ۱۹۲۱ به تصویب رسید. براساس قانون اساسی جدید، سیستم حکومتی کشور از پادشاهی به جمهوری تغییر یافت.

نظر به اینکه قانون اساسی ۱۹۲۱ بسیار خلاصه بود و چند ماده بیشتر نداشت، دومین قانون اساسی جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ توسط مجلس دوم منتخب مردم به تصویب رسید که از ویژگی‌های اساسی آن بنیانگذاری سیستم لائیک در نظام حقوقی و سیاسی کشور مبنی بر جدایی دین از سیاست و تکیه اداره کشور بر اراده

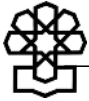


ملی و نظام پارلمانی بود، بدین نحو که رئیس‌جمهور از طرف پارلمان و نخست‌وزیر و اعضای کابینه نیز از طرف حزب پیروز در انتخابات مجلس توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌شد.

ویژگی دیگر در این سیستم این است که رئیس‌جمهور نماد وحدت ملی در کشور است و اختیارات اداره کشور و قوه مجریه عملاً به دست نخست‌وزیر است. همچنین ویژگی دیگر نظام پارلمانی ترکیه امکان جمع بودن هم‌زمان دو صفت نخست‌وزیری یا وزیر با نمایندگی مجلس است. بدین ترتیب که یک نماینده در عین داشتن وصف نمایندگی، می‌تواند وصف نخست‌وزیری و یا وزیر را نیز داشته باشد، به عبارت دیگر قوه مقننه و قوه مجریه دارای سیستم درهم تنیده‌ای است.^(۱)

تحت رهبری آتاترک، ترکیه سنت جمهوری را بر مبنای یک دولت مدرن سکولار مستقر ساخت. مخالفت با مذهب و گرایش‌های مذهبی یک وجه مشخص رژیم تحت حکومت آتاترک بود. دولت ترکیه آشکارا تمامی ظواهر و جوانب هویت مذهبی را در میادین عمومی ممنوع ساخت. این محدودیت‌ها شامل ممنوع بودن حجاب در مدارس و مراکز دولتی بود.^(۲) در ۸ آوریل ۱۹۲۴، دادگاه‌های شریعت اسلامی در ترکیه به‌طور کامل برچیده شد. در ۳ نوامبر ۱۹۲۸، حروف الفبای لاتین رسماً جای حروف عربی را که از اوایل دوره عثمانی برای اسناد رسمی به‌کار می‌رفت گرفت.^(۳)

نظام سیاسی ترکیه تا سال ۱۹۴۰ به صورت تک‌حزبی آن هم حزب جمهوری خلق ترکیه که توسط آتاترک بنیانگذاری شده بود، اداره می‌شد که از دهه ۱۹۴۰ احزاب دیگری نیز امکان حضور در صحنه سیاسی ترکیه پیدا کردند که یکی از آن احزاب، حزب دمکرات ترکیه بود که توانست در انتخابات مجلس در سال ۱۹۵۰ اکثریت قاطع



کرسی‌های مجلس را از آن خود کند و تا سال ۱۹۶۰ یعنی زمان کودتا توسط ارتش اداره کشور را در دست داشته باشد، اما کودتای ۱۹۶۰ به بهانه حفظ نظام لائیک، زمام امور را از اراده ملی جدا کرد و کمیته ملی تشکیل شده توسط ژنرال‌های کودتاگر جانشین دولت و مجلس جهت اداره امور کشور شد.

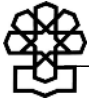
این کمیته اقدام به تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید کرد و پس از برگزاری referendum و پذیرش مردم به‌عنوان قانون اساسی ۱۹۶۰ ترکیه جایگزین قانون اساسی ۱۹۲۴ شد. از جمله تفاوت‌های قانون اساسی ۱۹۶۰ نسبت به قانون اساسی ۱۹۲۴ می‌توان به اختیارات ویژه ارتش در اداره سیاسی کشور به بهانه حفظ نظام لائیک، ایجاد سیستم دوجلسی (مجلس ملی و مجلس سنا) و تشکیل دادگاه قانون اساسی اشاره کرد. یازده عضو دادگاه قانون اساسی به صورت همیشگی تا زمان بازنشستگی از طرف رئیس‌جمهور برگزیده می‌شدند و وظیفه اصلی آن رسیدگی به اعتراض احزاب مخالف به مصوبه مجلس مبتنی بر مغایرت این مصوبه با اصول قانون اساسی ترکیه بود که در صورت تشخیص مغایرت دادگاه قانون اساسی، حکم به ابطال آن مصوبه صادر می‌کرد. از وظایف مهم دیگر قانون اساسی ترکیه، رسیدگی به شکایت دادستان کل کشور مبنی بر تخلف احزاب از اصول قانون اساسی بود که در این حالت نیز دادگاه قانون اساسی می‌توانست در صورت اعلام شکایت حکم به انحلال حزب دهد. از ویژگی‌های مهم دیگر قانون اساسی ۱۹۶۰ ترکیه، می‌توان به وجود اصول تغییرناپذیر در متن قانون اساسی اشاره کرد که مربوط به سیستم لائیک است که مجلس حتی حق پیشنهاد تغییر آن را نیز نمی‌تواند بررسی کند و ضمانت اجرای آن نیز به عهده دادگاه قانون اساسی است.



اما روند توسعه حاکمیت نظامیان و سکولارها در ترکیه در همین نقطه متوقف نماند. تداوم سایه قدرت ارتش بر حیات سیاسی ترکیه، باعث کودتای دیگری توسط ژنرال‌های ارتش در سال ۱۹۸۰ شد که این بار نیز شورای امنیت ملی تشکیل شده از طرف ژنرال‌ها با شورای مشورتی تشکیل شده از طرف آنان مأمور تدوین پیش‌نویس قانون شد که این پیش‌نویس در سال ۱۹۸۱ به رفراندوم گذاشته شد و مورد قبول مردم قرار گرفت.

به این ترتیب، قانون اساسی ۱۹۸۱ تقریباً با همان ساختار قانون اساسی ۱۹۶۰ تدوین شد. با این تفاوت که در این قانون اساسی قوه مقننه تک‌مجلسی شد و مجلس سنا حذف گردید. آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و احزاب و انجمن‌های سیاسی و اجتماعی محدود شد و اختیارات ارتش باز هم در اداره کشور افزایش یافت و دادگاه‌های خاص نظامی اختیارات فراوانی را به خود اختصاص داد.^(۴)

درواقع ترکیه بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در کمتر از بیست سال شاهد سه کودتا بوده است. در سال ۱۹۹۷ نیز ارتش دولت اسلامگرای اربکان را وادار به عقب‌نشینی کرد.^(۵) از این مداخله گاه به‌عنوان کودتای «پست‌مدرن»^۱ نیز یاد می‌شود چراکه این بار دخالت ارتش در حکومت به‌صورت علنی و رژه تانک‌ها در خیابان‌های پایتخت انجام نگرفت، بلکه ژنرال‌های ارتش در شورای امنیت ملی از طریق نقشه‌ای از پیش طراحی شده با اجبار و تهدید، نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر ترکیه که رهبر حزب اسلامگرای رفاه بود را با ادعای مبادرت به اقدامات ضدلایحک مجبور به استعفا کردند و به‌دنبال آن نیز دادگاه قانون اساسی حکم به انحلال حزب رفاه و حبس خانگی اربکان داد.^(۶) بدین ترتیب قدرت بار دیگر به‌طور کامل در اختیار سکولارها قرار گرفت.



۲. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه

قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه نقطه عطفی در به چالش کشیده شدن موقعیت مسلط سکولارها و نظامیان در ساختار سیاست و حکومت در ترکیه بود. پس از تعطیلی حزب رفاه، رجب طیب اردوغان، از همفکران نجم‌الدین اربکان با گروهی از اعضای سابق حزب رفاه اقدام به تأسیس حزب عدالت و توسعه کرد و توانست در انتخابات محلی و مجلس در سال ۲۰۰۲ اکثریت کرسی‌های مجلس را از آن خود کند. پیشرفت‌ها و موفقیت‌های چشمگیر حزب عدالت و توسعه^۱ در مهار تورم که به‌صورت تصاعدی در دولت‌های پیشین درحال افزایش بود و یکی از معضلات مهم اقتصادی در ترکیه به‌شمار می‌رفت و همچنین برنامه گسترش و آبادانی حزب عدالت و توسعه در افزایش رفاه عمومی و پیشرفت صنعتی کشور و ایجاد اصلاحات قانونی ازجمله قانون اساسی در سال ۲۰۰۴ در راستای پیوستن به اتحادیه اروپا، باعث تقویت حاکمیت قانون در اداره امور و حذف فساد اداری و بوروکراسی از امور این کشور شد. این حزب توانست در انتخابات سال ۲۰۰۷ با افزایش استقبال و اعتماد عمومی روبرو شود و اکثریت قاطع کرسی‌های مجلس را از آن خود کند. عملکرد موفق حزب حاکم در حوزه اقتصادی و نیز پایبندی آن به قواعد دموکراسی و حقوق بشر ازجمله عوامل مؤثر در ارتقای مقبولیت و محبوبیت این حزب در میان مردم بود. به لحاظ اقتصادی، عملکرد دولت اردوغان، ترکیه را در گروه پنج اقتصاد سریعاً درحال رشد دنیا قرار داد.^(۷)

با این حال خشم و ترس نظامیان و لایحک‌ها از افزایش موفقیت این حزب، منجر



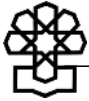
به طرح شکایت از طریق دادستانی به دادگاه قانون اساسی مبنی بر انحلال این حزب به ادعای فعالیت‌های ضدلائیک شد. دادگاه قانون اساسی این بار بجای انحلال حزب حاکم به جریمه این حزب و محرومیت آن از دریافت کمک‌های دولتی رأی داد.

این امر البته نظامیان را قانع نکرد و آنها تلاش‌های آشکار و پنهان خود را برای مقابله با حزب حاکم افزایش دادند. اساساً از ابتدای روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه گمانه‌زنی‌های مختلفی درخصوص احتمال برخورد نظامیان با حزب حاکم که به اسلامگرایی شهرت داشت مطرح می‌شد. یکی از مهمترین وقایع در این ارتباط به موضوع موسوم به «ارگنه کن»^۱ مربوط می‌شود. این موضوع به بزرگترین و مناقشه‌برانگیزترین پرونده قضایی در تاریخ اخیر ترکیه تبدیل شده است.^(۸)

در ۲۹ مارس ۲۰۰۷، یکی از نشریات ترکیه مطلبی را منتشر کرد که ادعا می‌شد از لب‌تاپ یک دریاسالار و رئیس سابق نیروی دریایی ترکیه به‌نام «اوزدن اورنک» به‌دست آمده است. این مجله ادعا کرد که اورنک برای تضعیف دولت، برنامه‌ریزی‌هایی با دیگران داشته است. یک دادیار نظامی خواستار تعطیلی این نشریه شد و از همین‌جا بود که مشکل بالا گرفت.

در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۷، ۲۷ نارنجک در خانه‌ای در منطقه عمرانیه شهر استانبول کشف شد. این خانه متعلق به یک افسر بازنشسته نظامی بود. اسنادی که در این خانه پیدا شد موجب شد تا بازجویی‌های بیشتری در این باره به‌عمل آید و کشفیات جدیدی حاصل شود. در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۷ در شهر اسکیشهر مواد منفجره پلاستیکی و نارنجک‌های دستی پیدا شد. دستگیری‌ها ادامه پیدا کرد و اسناد بیشتری به‌دست آمد.

1. Ergenekon



این وقایع به قضیه «ارگنه کن» مشهور گشت. این عنوان نام یک گروه افراطی ناسیونالیست است که با ارتش پیوند دارند.^(۹) مطابق با گزارش‌ها، این گروه در پی سازماندهی مخفیانه برای انجام یک عملیات ضربتی علیه دولت و ساقط کردن آن بود. درواقع از این اتفاق به‌عنوان تلاش دیگری از سوی نظامیان برای راه‌اندازی کودتا در ترکیه یاد می‌شود. کشف کودتای «ارگنه کن» در سال ۲۰۰۷ که متهمان آنها عمدتاً از ژنرال‌های ارتش هستند و قصد آنها برای ساقط کردن دولت اسلامگرایی حزب عدالت و توسعه، رهبران این حزب را وادار کرد با بهره‌گیری از فرصت به‌دست آمده و دارا بودن اکثریت قاطع در پارلمان و همچنین پشتوانه مردمی به جراحی نظام حقوقی، سیاسی و اجتماعی ترکیه بپردازند و سایه ارتش را از سیاست در این کشور دور کنند.^(۱۰)

پس از واقعه ارگنه کن بسیاری از مردم دریافتند که در ساختار سیاسی ترکیه ارتش خارج از کنترل و نظارت بوده و نمی‌تواند کاملاً مورد اعتماد باشد. شکل‌گیری این ذهنیت تمایل دولتمردان حزب عدالت و توسعه را برای اصلاح قانون اساسی این کشور که دست نظامیان را برای دخالت گسترده در سیاست باز می‌گذاشت مضعف کرد. بدین ترتیب بود که زمینه برای اصلاح قانون اساسی و برگزاری رفراندوم در این زمینه فراهم شد.

۳. محورهای رفراندوم قانون اساسی

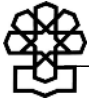
بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که رفراندوم قانون اساسی ترکیه نقطه آغاز مهمی برای انجام تغییرات ساختاری در ترکیه محسوب می‌شود. آنها به گستردگی حوزه‌ها و موضوعاتی اشاره می‌کنند که در این رفراندوم مورد توجه قرار گرفته



است. اصلاحاتی که به موجب این فرآیند در قانون اساسی به انجام خواهد رسید طیف وسیعی از موضوعات سیاسی، اجتماعی، نظامی، قضایی، مسائل اقلیت‌ها، حقوق شهروندی و... را دربر می‌گیرد. در عین حال برخی دیگر از کارشناسان اعتقاد دارند تحول اساسی در جامعه ترکیه منوط به تداوم فرآیند اصلاحات از جمله در قانون اساسی ترکیه خواهد بود و فرآیند اقدام مقدماتی و اولیه‌ای محسوب می‌شود که می‌باید با تمهیدات بعدی تکمیل شود.

فرآیند اخیر در ترکیه به اصلاح ۲۶ ماده از مواد قانون اساسی این کشور مربوط می‌شد. این اصلاحات با تقویت حقوق کودکان، زنان و معلولان سروکار دارد و ضمن دادن آزادی بیشتری به اقلیت‌های قومی ترکیه قوانین کار را در این کشور آسان‌تر می‌کند. در مورد اقلیت‌های قومی و مذهبی گفته می‌شود که اقلیت‌های مسیحی و همچنین کردها که هر دو توسط دولت‌های قبلی محدود شده، بعضاً تحت تعقیب قرار گرفته و به حاشیه رانده شده بودند، می‌توانند از آزادی‌های بیشتری برخوردار شوند. در حوزه حقوق شهروندی علاوه بر ارتقای حقوق زنان و کودکان می‌توان اعتنا بیشتر به نهادهای مدنی و سندیکاها را مورد اشاره قرار داد از جمله آنکه براساس این فرآیند حقوق سندیکاها برای اعتصاب به رسمیت شناخته شده است.

اما به اعتقاد تحلیلگران، مهمترین ویژگی اصلاحات قانون اساسی به تأثیر آن در محدود کردن نقش نظامیان در سیاست و اصلاح ساختار قوه قضائیه ترکیه مربوط می‌شود. در مورد قوه قضائیه تغییرات مهمی به وقوع پیوسته است. اولاً به موجب اصلاحات قانون اساسی افراد عادی امکان بیشتری برای طرح شکایت در دادگاه قانون اساسی دارند. شهروندان همچنین می‌توانند در دادگاه‌های مستقل اقامه دعوی



کنند. از آن مهمتر آنکه این اصلاحات زمینه بازسازی دادگاه قانون اساسی و دیگر مجموعه مهم قضایی ترکیه یعنی هیئت عالی قضات و دادیاران را فراهم می‌کند. هر دو مجموعه توسعه پیدا می‌کنند و قدرت انتصاب اعضای آنها به رئیس‌جمهور و پارلمان منتقل خواهد شد. تاکنون قوه قضائیه ترکیه پایگاهی برای سکولارها بوده است و از این رو در برابر دولت اردوغان مقاومت می‌کرد.^(۱۱) بدین ترتیب اصلاحات قانون اساسی، قوه قضائیه را از انحصار سکولارها در آورده و امکان دخالت دولت در ترکیب آن را فراهم می‌کند.

موضوع مهم دیگری که در اصلاحات قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است، لغو برخی مصونیت‌ها برای نظامیان و تلاش برای کنترل و پاسخگو کردن آنهاست. براین اساس، ماده (۱۵) قانون اساسی که به نظامیان مصونیت دائمی از تعقیب قضایی اعطا می‌کرد اصلاح شد و بدین ترتیب حتی نظامیان بلندپایه نیز طبق قانون اساسی جدید در دادگاه‌های مدنی محاکمه می‌شوند.^(۱۲)

نهایتاً با رأی مثبت ۵۸ درصد از مردم ترکیه در برابر ۴۲ درصد رأی منفی، ۲۶ ماده از مواد قانون اساسی فعلی ترکیه در اموری چون حقوق و آزادی‌های فردی و ساختار قوه قضائیه اصلاح شد.^(۱۳) همچنان‌که اشاره شد بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران این فرآیند را نقطه عطفی در تاریخ ترکیه و تحول ساختاری و نهادی در این کشور می‌دانند. از این رو اعتقاد بر این است که نتیجه این فرآیند پیامدها و نتایج بسیار مهمی برای این کشور به همراه خواهد داشت.



۴. پیامدهای رفراندوم قانون اساسی در ترکیه

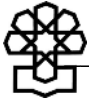
به‌طور کلی با بررسی مجموعه مباحث مرتبط با برگزاری رفراندوم اخیر در ترکیه به‌ویژه زمینه‌ها و ریشه‌ها و نیز محورها و ملاحظات آن می‌توان پیش‌بینی کرد که رأی مثبت مردم ترکیه به این رفراندوم و در نتیجه اصلاح برخی مواد قانون اساسی، پیامدهای مهمی را برای این کشور به‌همراه داشته باشد.

این پیامدها عمدتاً ماهیتی سیاسی دارند و در هر دو سطح سیاست خارجی و به‌ویژه سیاست داخلی قابل شناسایی هستند. به‌طور کلی پیامدهای رفراندوم اخیر قانون اساسی در ترکیه را می‌توان به‌شرح ذیل برشمرد:

۴-۱. تسهیل روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران، رفراندوم اخیر در ترکیه را بخش مهمی از تلاش این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا ارزیابی می‌کنند. پیوستن به این اتحادیه یکی از اولویت‌های اصلی دولت کنونی و دولت‌های قبلی ترکیه بوده است و از این‌رو اتخاذ اقدامات مقتضی جهت تحقق این هدف به‌طور جدی در دستور کار دولتمردان این کشور قرار داشته است. البته رفراندوم اخیر ثابت کرد که دولت کنونی ترکیه در مقایسه با دولت‌های قبلی، اراده بیشتری را برای پیگیری این هدف دارد.

از آنجایی که اتحادیه اروپا شرایطی را برای پیوستن ترکیه به این مجموعه اعلام کرده و از جمله اعمال اصلاحاتی را در قانون اساسی ترکیه خواستار شده است، لذا رفراندوم اخیر در ترکیه که به‌منظور اصلاح مواد از قانون اساسی این کشور به انجام رسید به‌عنوان تلاشی برای تأمین استانداردها و معیارهای مورد نظر اتحادیه



اروپا از سوی دولت ترکیه قلمداد شده است. این موضوعی است که به صراحت از سوی عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه مورد اشاره قرار گرفته است. وی در ۱۳ سپتامبر صراحتاً اعلام کرد که تمام موادی که در بسته اصلاحی قانون اساسی گنجانده شده‌اند به نزدیک ساختن استانداردهای ترکیه به سطح اروپایی فرآیند عضویت این کشور در اتحادیه اروپا، مربوط می‌شوند.^(۱۴) در واقع غیرممکن است بسته اصلاح قانون اساسی ترکیه را که در رفراندوم اخیر به تأیید اکثریت مردم رسید بتوان بدون در نظر گرفتن اشتیاق این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار داد.^(۱۵) به‌ویژه اقداماتی که در جهت کاهش دخالت نظامیان در سیاست و پاسخگو کردن آنان، اصلاح ساختار قوه قضائیه و تقویت حقوق شهروندی در حوزه زنان، کودکان و اقلیت‌ها صورت گرفته است. به‌عنوان محرکی مؤثر برای تسریع فرآیند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا لحاظ می‌شود. از همین روست که رفراندوم اخیر ترکیه مورد استقبال مقامات اتحادیه اروپا قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به مواضع کمیسیون اتحادیه اروپا و دیگر مقامات این اتحادیه و کشورهای اروپایی اشاره کرد. به‌عنوان مثال «استفان فول»، کمیسیونر گسترش اتحادیه اروپا^۱ پس از اعلام نتایج رفراندوم قانون اساسی گفت: «این کمیسیون از تصویب اصلاحات قانون اساسی در این رفراندوم که تعهد مستمر شهروندان ترکیه برای اصلاحاتی که حقوق و آزادی‌هایشان را افزایش می‌دهند استقبال می‌کند»، وی همچنین تأکید کرد: «همان‌طوری که مقامات اتحادیه اروپا در ماه‌های قبل همواره تأکید کرده‌اند، این اصلاحات گامی در مسیر درست برای حل شماری از اولویت‌های پایدار در تلاش‌های

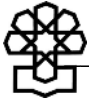
1. EU Enlargement Commissioner



ترکیه به سوی تبعیت کامل از ضوابط الحاق به اتحادیه اروپاست»^(۱۶) همچنین گزارشگر ویژه ترکیه در پارلمان اروپا با تمجید از میزان مشارکت ترک‌ها در این فرآیند از ترکیه خواست تا به اقدامات اصلاحی فراگیر خود ادامه دهد.

البته در کنار این استقبال، برخی مقامات اروپایی اصلاحات اخیر در قانون اساسی ترکیه را برای تبدیل شدن به یک کشور دمکراتیک به عنوان شرط لازم برای پیوستن به اتحادیه اروپا ناکافی دانسته و از این رو خواستار انجام اصلاحات بیشتر در ترکیه شده‌اند. این امر از سوی برخی کارشناسان ترکیه بهانه‌تراشی قلمداد شده است. به اعتقاد آنها طرح این موضوعات از سوی مقامات اروپایی از انگیزه‌های سیاسی برخوردار است چراکه نه یونان و نه پرتغال که اکنون عضو اتحادیه اروپا هستند هیچ‌یک در زمان الحاق، دمکراتیک نبوده و از نظر اقتصادی توسعه‌یافته نبوده‌اند.^(۱۷)

علیرغم این مناقشات، تردیدی نیست که فرآیند اخیر در ترکیه موضع کسانی را که در داخل اتحادیه اروپا قائل به مفید بودن عضویت آنکارا در این اتحادیه هستند تقویت کرده است. این فرآیند دیدگاهی را تأیید کرده است که معتقد است ترکیه در یک فرآیند تاریخی و تدریجی به استانداردهای اتحادیه اروپا نزدیک‌تر می‌شود. براین اساس انتظار می‌رود پس از برگزاری این فرآیند حامیان عضویت ترکیه و از آن جمله کسانی همچون فرانکو فراتینی وزیر خارجه ایتالیا که معتقد به مفید بودن الحاق ترکیه از جهات مختلف از جمله از منظر سیاست‌های منطقه‌ای اتحادیه اروپا در قبال ایران، قفقاز و خاورمیانه است، برای حمایت از پیوستن ترکیه به این اتحادیه دست بازتری داشته باشند. این امر به معنای تسهیل روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا خواهد بود.



۲-۴. تضعیف نقش و نفوذ نظامیان و سکولارها

از ابتدای شکل‌گیری جمهوری ترکیه، سکولاریسم جزء جدایی‌ناپذیر ماهیت رژیم سیاسی حاکم بر این کشور بوده است. در واقع سکولار بودن، شرط لازم برای سیاست‌ورزی و ورود به ساختارهای حاکمیتی در جامعه ترکیه محسوب شده است. از این رو اجزای مختلف حکومت در طول این سال‌ها تحت استیلای مطلق سکولارها بوده است. از سوی دیگر، ارتش در این کشور خود را حافظ هویت سکولار نظام سیاسی ترکیه می‌دانست و براین اساس، با هر پدیده‌ای که گزندگی به این هویت می‌رساند شدیداً مقابله می‌کرد.

به همین دلیل در مقاطع مختلف شاهد برخورد نظامیان و سکولارها با نیروهای اسلامگرا در ترکیه بوده‌ایم. از جمله، سقوط دولت اسلامگرای نجم‌الدین اربکان تحت فشار نظامیان صورت گرفت که تداوم فعالیت این دولت را تهدیدی برای نظام سکولار ترکیه می‌دانستند. چنین وضعیتی سبب شده بود که سکولارها اعم از نظامی و غیرنظامی جایگاه انحصاری را در ساختارهای حکومتی ترکیه به دست آورند. در این میان فراهم نبودن سازوکارهای مناسب برای نظارت بر عملکرد آنها و پاسخگو کردن این گروه سبب می‌شد تا سطح خودمختاری آنها در فعالیت سیاسی افزایش یابد.

در چنین شرایطی وجود ملاحظات خاص در مواد اصلاحات قانون اساسی در ارتباط با نظامیان و ساختارهای تحت کنترل سکولارها نظیر قوه قضائیه موجبات به چالش کشیده شدن موقعیت نظامیان و سکولارها را در ساختارهای حکومتی ترکیه فراهم آورده است. از بین رفتن مصونیت نظامیان از پیگرد در دادگاه‌ها ضربه مهمی به موقعیت آنها وارد ساخته است. نتیجه فرآیند، ارتش را تضعیف کرده به گونه‌ای

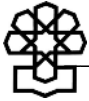


که این حق داده شده است که تصمیمات مربوط به دادگاه‌های نظامی که به تبریئه شدن نظامیان منجر شده در دادگاه‌های مدنی به چالش کشیده شود.

به‌علاوه سربازانی که به جرائم علیه امنیت دولت یا اصول قانون اساسی مظنون هستند در دادگاه‌های مدنی محاکمه خواهند شد. دولت این حق را برای خود ایجاد کرده است تا هر فرد نظامی را به دادگاه بکشاند که این مسئله شدیداً خودمختاری سنتی ارتش، نقش تاریخی از به‌عنوان پاسدار سکولاریسم و حوزه قضایی آن را محدود کرده است.^(۱۸)

محدود شدن ارتش ضربه مهمی به سکولارها محسوب می‌شود. آنها همچنین از تغییرات مواد قانون اساسی در حوزه قضایی نیز ضربه خورده‌اند. برای مثال چهار ماده از مواد فراندوم اصلاح قانون اساسی موجب افزایش تعداد قضات دیوان عالی و قرار دادن امکان انتخاب آنها از سوی اکثریت پارلمان می‌شود که هم‌اکنون در اختیار حزب عدالت و توسعه است. ماده دیگری از اصلاح قانون اساسی اعضای شورای عالی قضات و دادیاران را از ۱۲ به ۲۲ نفر افزایش می‌دهد که در این مورد نقش اصلی را در انتصاب آنها دولت و شخص رئیس‌جمهور دارند. در نتیجه نخست‌وزیر کنونی ترکیه از طریق این اصلاحات توانسته است که یکی از بزرگترین دشمنان خود یعنی قوه قضائیه را تحت کنترل درآورد.^(۱۹)

در مجموع، اصلاحات جدید در قانون اساسی محدودیت‌های قابل توجهی را برای سکولارها و نظامیان فراهم آورده و هژمونی آنها را در حوزه سیاست را به چالش کشیده است. این مسئله یکی از پیامدهای مهم فراندوم اخیر در ترکیه محسوب می‌شود.



۳-۴. تقویت روندهای دمکراتیک

به‌طور طبیعی فراهم نمودن زمینه‌های کاهش دخالت ارتش در حوزه سیاست و نیز پاسخگو کردن نظامیان خود از مهمترین محرکه‌های تکمیل و تحقق فرآیند دمکراسی در کشورها به حساب می‌آید و بر همین اساس برگزاری فراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه و رأی مثبت مردم به این اصلاحات اقدام مهمی در تثبیت روندهای دمکراتیک در این کشور محسوب می‌شود. این فراندوم، قانون اساسی سال ۱۹۸۲ ترکیه را که محصول کودتای نظامیان بود در ۲۶ ماده قابل توجه اصلاح می‌کند و از این‌رو می‌تواند اقدام مهمی در جهت هموار کردن مسیر حاکمیت یک دولت غیرنظامی و مدنی محسوب شود. از آن گذشته ملاحظاتی که در اصلاحات قانون اساسی در ارتباط با حقوق کودکان و زنان مطرح شده است محرک دیگری است که به تقویت روندهای دمکراتیک در ترکیه کمک می‌کند. از آن جمله می‌توان به مجاز شدن حضور زنان باحجاب در دانشگاه‌ها و مراکز دولتی اشاره کرد. به‌طور کلی برگزاری این فراندوم گام مهمی برای تثبیت بنیان‌های دمکراسی در جامعه ترکیه محسوب می‌شود و طبعاً در کنار این روند بسیاری از ائتلاف جامعه که آزادی‌ها و حقوق اولیه‌شان در سال‌های گذشته نقض می‌شد می‌توانند امیدوار به احقاق حقوق خود باشند.

۴-۴. تقویت موقعیت حزب عدالت و توسعه

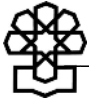
کارشناسان رأی مثبت مردم ترکیه به فراندوم قانون اساسی این کشور را پیروزی سیاسی مهم دیگری برای حزب عدالت و توسعه و رئیس این حزب قلمداد کرده و معتقدند که این تحول، تقویت موقعیت سیاسی حزب حاکم را به‌دنبال خواهد داشت.



درواقع بسیاری از تحلیلگران رأی مردم ترکیه را رفراندومی برای شخص رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر این کشور دانسته و همچنین آن را معیاری برای پیروزی احتمالی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال بعد به حساب می‌آورند.^(۲۰) حزب عدالت و توسعه از طریق این رفراندوم و نیز اقدامات قبلی خود تعهدش را به آنچه «ارزش‌های اخلاقی اسلامی» می‌نامد نشان داده است و از این طریق ترکیه را به سوی یک جامعه دمکراتیک - حداقل در مقایسه با آنچه در گذشته در این کشور جریان داشته است - رهنمون ساخته است. این حزب از زمان به‌دست آوردن قدرت در سال ۲۰۰۲ تلاش کرده بود تا با اعمال اصلاحاتی در قوانین و رویه‌های جاری در ترکیه زمینه‌های توسعه همه‌جانبه این کشور چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی را فراهم آورد. حزب حاکم ضمن مقابله با دخالت ارتش در سیاست مدلی از حکمرانی را برای ترک‌ها فراهم ساخته است که بازتاب تعهد آن به دمکراسی و حاکمیت قانون بدون نیاز به سرکوب هویت مذهبی این کشور است.

ترکیه در طول سال‌های حاکمیت حزب عدالت و توسعه به گواه کارشناسان و تحلیلگران نه تنها به کشوری آزادتر و دمکراتیک‌تر تبدیل شده، بلکه همچنین به یک بازیگر مؤثرتر در جهان مبدل شده و دوره بی‌سابقه‌ای از رشد اقتصادی را نیز تجربه کرده است. در واقع اقتصاد ترکیه با خروج از رکود اقتصاد جهانی از گذشته قوی‌تر شده و به رشد ۱۰/۳ درصد تولید ناخالص داخلی در چهارماهه دوم سال جاری میلادی دست یافته است. این وضعیت ترکیه را به سومین کشور دنیا از نظر سرعت رشد اقتصادی پس از سنگاپور و تایوان تبدیل کرده است.^(۲۱)

عملکرد مثبت حزب عدالت و توسعه در حوزه‌های مختلف، موقعیت سیاسی این



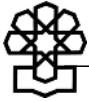
حزب در ترکیه را به‌طور چشمگیری بهبود بخشیده و آن را به نیروی سیاسی اصلی جامعه ترکیه تبدیل کرده است. براین‌اساس رأی مثبت مردم به رفراندوم اصلاح قانون اساسی نیز به‌عنوان محرک مؤثر دیگری برای تثبیت موقعیت حزب حاکم قلمداد می‌شود. این رفراندوم نمایانگر تعهد بالای دولت به انجام اصلاحات اساسی در ترکیه بوده و به‌عنوان مهمترین اقدام در تاریخ جمهوری ترکیه برای تقویت مردم‌سالاری در این کشور قلمداد می‌شود. بر همین اساس نتایج رفراندوم با استقبال کشورهای مختلف به‌ویژه اروپا و آمریکا مواجه گردید. تأثیر این رفراندوم در تقویت موقعیت حزب عدالت و توسعه تا بدان حد ارزیابی می‌شود که از آن به‌عنوان نشانه‌ای از قطعیت پیروزی این حزب در انتخابات پارلمانی سال آینده ترکیه یاد می‌شود.

۴-۵. افزایش مقاومت‌ها و مخالفت‌های اپوزیسیون و احتمال رویارویی‌های توطئه‌آمیز

عملکرد مثبت حزب عدالت و توسعه اگرچه موقعیت سیاسی و مردمی آن را به‌شدت تقویت کرده و موجب موفقیت‌ها و پیروزی‌های این حزب در جامعه ترکیه به‌ویژه در انتخابات مختلف این کشور شده است، در عین حال سطح مخالفت‌ها و مقاومت نیروهای اپوزیسیون را در برابر حزب حاکم به‌شدت افزایش داده است. به‌طور مشخص نظامیان و سکولارهای ترکیه که تداوم موفقیت این حزب را تهدیدی جدی برای موقعیت خود می‌بینند ممکن است در پی تدارک اقدامات مقتضی جهت ضربه زدن به آن باشند. اساساً از ابتدای پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ تلاش زیادی از سوی سکولارها به انجام رسید که در همان سال‌های اولیه سرنوشتی مشابه با سرنوشت



حزب رفاه و دولت اربکان برای رجب طیب اردوغان و حزب متبوعش رقم بخورد. با این حال مهارت‌های سیاسی حزب عدالت و توسعه و حمایت‌های مردمی از این حزب مانع از تحقق نیت آنها شد. در شرایط ناتوانی نظامیان و سکولارها برای رویارویی با حزب حاکم در عرصه رقابت‌های دمکراتیک، اقدامات مخفیانه و توطئه‌آمیز آنها برای ساقط کردن دولت شدت پیدا کرد که در این میان موضوع «ارگنه کن» یکی از مهمترین این قبیل اقدامات به حساب می‌آید. با این حال برخورد مقتدرانه دولت با اقدامات توطئه‌آمیز، شکست دیگری را برای نظامیان و سکولارها رقم زد. نهایتاً مخالفان دولت امیدوار بودند که پاسخ منفی مردم ترکیه به فراندوم طراحی شده از سوی حزب حاکم به تضعیف دولت اردوغان منجر شده و روند فرسایش موقعیت مخالفان را متوقف سازد. با این حال رأی مثبت مردم ترکیه این امید مخالفان را نیز از بین برد. اکنون نیروهای اپوزیسیون که خود را صاحبان اصلی جمهوری ترکیه به‌عنوان میراث آتاتورک می‌دانند با نگرانی فزاینده نسبت به نتیجه فراندوم اخیر و تقویت موقعیت سیاسی حزب عدالت و توسعه بیش از پیش موقعیت خود را تضعیف شده می‌بینند. این امر انگیزه‌ای را برای آنان فراهم خواهد ساخت تا برای تغییر شرایط کنونی به اقدامات و تمهیدات جدیدی روی آورند. این تمهیدات باید در چارچوب هدف استراتژیک تضعیف حزب عدالت و توسعه سازماندهی شود. سابقه نظامیان و سکولارها در ترکیه نشان می‌دهد که آنها در صورت شکست در تحقق اهداف خود از طرق سیاسی ابایی از به‌کارگیری شیوه‌های غیردمکراتیک و حتی توطئه‌آمیز برای سرنگون ساختن رقیب خود ندارند. به‌ویژه آنکه این رقیب متهم به اسلامگرایی و تضعیف اساسی نظام لائیک ترکیه که نظامیان خود را حافظ آن می‌دانند نیز باشد.



اکنون بسیاری از تندروها و ملی‌گراهای سکولار در ترکیه بیم آن دارند که این فراندوم نقطه آغاز و اقدامات حزب عدالت و توسعه برای گسترش ایدئولوژی خود در ترکیه باشد. آنها قبل و پس از برگزاری فراندوم با استفاده از ابزارهای سیاسی و رسانه‌های خود جنجال روانی وسیعی را علیه حزب حاکم به راه انداختند. آنها ادعا می‌کنند که حزب عدالت و توسعه از طریق فراندوم یک «کودتای دوفاکتوی اسلامی»^۱ را به راه انداخته و در پی تسلط بر قوه قضائیه است.^(۲۲)

به اعتقاد آنها فراندوم اخیر، کنترل حزب عدالت و توسعه بر قوه قضائیه را افزایش داده، تفکیک قوا و نظام کنترل و توازن را تضعیف کرده، ارتش را بیش از گذشته ضعیف کرده و بدین ترتیب پایه‌های سنتی سکولاریسم را که مصطفی کمال آتاتورک از سال ۱۹۲۳ در ترکیه مدرن پایه‌گذاری کرده بود از بین برده است.^(۲۳)

بدین ترتیب برخی سکولارها ادعا می‌کنند که اردوغان با افزایش قدرت خود درحال پایه‌گذاری یک «دیکتاتوری مدنی»^۲ در جامعه ترکیه است.

به هر حال شکی نیست که نظامیان، ملی‌گراهای افراطی و سکولارها در ترکیه موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان را تهدیدی جدی برای خود قلمداد می‌کنند و از این‌رو غیرممکن نیست که آنها به روش‌های مختلف درصد تضعیف این حزب برآیند.

هرچند که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، شرایط بین‌المللی و داخلی ترکیه امکان وقوع کودتایی به سبک کودتاهای قبلی این کشور را نمی‌دهد، اما این مسئله خطر ناشی از واکنش‌های افراطی سکولارها را برای ضربه‌زدن به حزب حاکم

1. De-Facto Islamic Coup
2. Civil Dictatorship



نمی‌کاهد. احتمال مبادرت به چنین اقدامی با توجه به نتیجه رفراندوم اخیر در ترکیه افزایش یافته است.

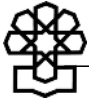
۴-۶. تشدید مناظرات گفتمانی و مبنایی در داخل ترکیه

پیروزی‌های حزب عدالت و توسعه و موفقیت‌های پی‌درپی این حزب به‌عنوان گروه حاکم، به مباحث مبنایی و رویکردی در جامعه ترکیه چه در داخل حاکمیت و چه در محافل، فکری و غیررسمی دامن زده است.

این امر بیش از هر چیز ناشی از آن است که قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه به تقویت گفتمان اسلامگرایی در جامعه ترکیه نسبت داده می‌شود.

این درحالی است که گفتمان اسلامگرایی از زمان تأسیس جمهوری ترکیه توسط آتاتورک تحت تأثیر گفتمان کمالیسم^۱ که گفتمان غالب سکولارها و ملی‌گراها بوده است قرار داشته است. کمالیسم حداقل تا پایان دهه ۸۰ میلادی رویکرد مسلط بر سیاست داخلی و خارجی ترکیه بوده است. با آغاز دهه ۹۰، کمالیسم کماکان گفتمان اصلی حاکم بر سیاست داخلی و خارجی ترکیه بود. با این حال همزمان با رشد رویکرد اسلامگرایی در این کشور، کمالیسم با رقیب قدرتمندی که توانایی به چالش کشیدن موقعیت مسلط گفتمانی آن را داشت مواجه شد. با روی کار آمدن حزب اسلامی رفاه در دهه ۹۰ و به‌ویژه با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ مناظرات مبنایی در داخل ترکیه مبنی بر مطلوبیت رویکرد کمالیسم یا اسلامگرایی برای مدیریت جامعه افزایش پیدا کرد. به‌طور کلی کمالیسم پایبند به

1. Kemalism



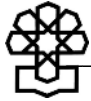
اصول مطرح شده از سوی آتاتورک بوده و بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌کند. براین اساس هواداران این رویکرد در حوزه سیاست خارجی تمایلی به همکاری با کشورهای حوزه جهان اسلام نداشته و بر همکاری‌های نزدیک و استراتژیک با غرب تأکید می‌کنند. در مقابل، اسلامگرایان خواستار توجه به ریشه‌های هویتی و تاریخی ترک‌ها بوده و در حوزه روابط خارجی نیز از متوازن‌سازی سیاست خارجی ترکیه دفاع کرده و خواستار توجه به مزیت‌های این کشور در حوزه جهان اسلام به‌ویژه در خاورمیانه هستند. در دو دهه اخیر در مورد اهمیت و مطلوبیت هر یک از این رویکردها، مناظرات مهمی در داخل ترکیه جریان داشته است. این مناظرات با تداوم پیروزی‌های سیاسی اسلامگرایان در سال‌های اخیر تشدید شده است. با توجه به اهمیت نتیجه رفراندوم اخیر در ترکیه که به مرحله‌ای مهم از استیلای گفتمان اسلامگرایی بر کمالیسم تعبیر شده، پیش‌بینی می‌شود که حجم این مناظرات و مجادلات مبنایی به‌طور قابل توجهی افزایش یابد.

۴-۷. تأمین الزامات داخلی ایفای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی جدید ترکیه

ترکیه در سال‌های اخیر اقدامات و ابتکارات متعددی را برای بازتعریف نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خود به اجرا گذاشته است. هدف اصلی حزب عدالت و توسعه تبدیل ترکیه به یک بازیگر تأثیرگذار و مؤثر در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. دولت اردوغان تحت تأثیر نظریات و تجویزات «احمد داوود اوغلو» وزیر خارجه کنونی این کشور از طریق متوازن ساختن سیاست خارجی ترکیه در پی تحقق این هدف اساسی بوده است. در این فرآیند تلاش گردید تا از اتکای مطلق ترکیه به غرب در حوزه سیاست



خارجی کاسته شود. لازم به ذکر است که تکیه به غرب جهت‌گیری اصلی این کشور در دوره زمامداری کمالیست‌ها بود. در این راستا تلاش گردید تا با فعال کردن ظرفیت‌های سیاست خارجی این کشور در مناطق دیگر به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، تصویر جدیدی از ترکیه در نظام بین‌الملل ارائه شود. ترکیه به‌ویژه اجرای این سیاست خارجی را از طریق ایفای نقش میانجی در مناقشات منطقه‌ای دنبال کرده است. میانجیگری حساس، اما بدون نتیجه ترکیه میان سوریه و رژیم صهیونیستی و پیشنهاد میانجیگری آن میان عراق و سوریه و همچنین ایران و آمریکا مؤید تمایل فزاینده آنکارا برای تعریف و اجرای نقش جدید خود در نظام بین‌الملل است. با این حال از همان ابتدای تلاش‌ها برای بازتعریف سیاست خارجی ترکیه، این نقطه‌نظر مطرح بود که هر کشوری برای تبدیل به بازیگری اثرگذار و صاحب نفوذ در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌ویژه ظاهر شدن در قامت یک میانجی مورد اعتماد و اثرگذار به‌طور اجتناب‌ناپذیری نیازمند برخورداری از شرایط مناسب و مطمئن داخلی است. از جمله این شرایط می‌توان به تثبیت روندهای دمکراتیک و وجود ثبات سیاسی در داخل اشاره کرد. این درحالی بود که دخالت گسترده نظامیان در امور سیاسی و نیز خطر برخورد جدی نهادهای قضایی با حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب حاکم و تبدیل سرنوشت آن به سرنوشت حزب رفاه، شرایط چندان پایدار و با ثباتی را برای دولت ترکیه به نمایش نمی‌گذاشت و چهره دمکراتیکی از روندهای جاری این کشور ترسیم نمی‌کرد. این وضعیت نمی‌توانست متناسب کشوری باشد که سودای ایفای نقش میانجی در مناقشات مبهم منطقه‌ای و بین‌المللی را داشته و به دنبال ارتقای موقعیت خود در نظام بین‌الملل است. این مسئله محرک دیگری برای دولتمردان حاکم



بود تا از طریق اصلاح قانون اساسی، نسبت به متناسب‌سازی شرایط داخلی ترکیه با نقش بین‌المللی جدید این کشور در نظام بین‌الملل اهتمام ورزند. بر همین اساس می‌توان تأیید کرد که اصلاحات قانون اساسی در ترکیه که چهره دمکرات‌تری را از این کشور به جهانیان ارائه می‌کند خود می‌تواند اقدام مکملی برای تثبیت نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در سیاست بین‌الملل باشد.

۵. رفراندوم ترکیه و اهمیت آن برای ایران

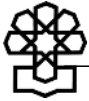
به‌طور طبیعی تحولات عمده سیاسی در کشورهای همسایه و همجوار برای هر دولتی اهمیت زیادی دارد. به همین ترتیب، رفراندوم اخیر ترکیه و نتیجه آن نیز اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی ایران داشته و پیامدهای بالقوه و بالفعل قابل‌اعتنایی را برای کشورمان به همراه دارد. همچنان‌که اشاره شد نتیجه این رفراندوم موجب تقویت موقعیت سیاسی حزب عدالت و توسعه در ترکیه شده است. به اعتقاد کارشناسان، رأی مثبت مردم ترکیه به این رفراندوم، تضمین مهمی برای پیروزی این حزب در انتخابات پارلمانی سال آینده محسوب می‌شود. دولت اردوغان از طریق انجام این اصلاحات تاریخی و به نمایش گذاشتن تعهد خود در زمینه نهادینه ساختن دمکراسی و آزادی در داخل کشور، شرایط مناسبی را برای پیروزی در انتخابات آتی پارلمانی برای خود فراهم ساخته است. این امر به منزله تداوم حیات دولت اردوغان در سال‌های بعد خواهد بود. اهمیت این مسئله از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلف قابل بررسی است.

نخست اینکه تداوم فعالیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه چشم‌انداز روشنی را



از تداوم و تسریع روند رو به رشد روابط ایران و ترکیه در آینده فراهم خواهد کرد. از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به‌ویژه در سال‌های اخیر روابط دو کشور به‌طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته و سطح همکاری‌های دوجانبه آنها ارتقا پیدا کرده است. هم مقامات ایرانی و هم مسئولان ترکیه‌ای تمایل خود را به تداوم همکاری‌های دوجانبه و گسترش روابط به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی ابراز داشته‌اند. در چنین شرایطی تثبیت موقعیت دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه می‌تواند مؤید تداوم روند روبه رشد روابط دو کشور در آینده باشد.

دوم آنکه، تطویل دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه از حیث تأثیری که بر روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی بر جای خواهد گذاشت از اهمیت فزاینده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نقطه آغاز تضعیف اتحاد ترکیه با رژیم صهیونیستی بود. این اتحاد در دوره زمامداری کمالیست‌ها در ترکیه به‌شدت تقویت شده بود، با این حال سیاست خارجی دولت اردوغان سبب شد که روابط استراتژیک دو طرف تحولات عدیده‌ای را که عمدتاً از بروز سردی در تعاملات آنها حکایت داشت تجربه کند. در سال‌های اخیر مواضع ترکیه در قبال تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان و غزه و محکومیت این اقدامات، روند تضعیف روابط دو طرف را تسریع کرده است. انتشار گزارش‌هایی در مورد تحرکات اسرائیل در کردستان عراق نیز ناخرسندی طرف ترک را به همراه داشته است. این وضعیت با اقدام غیرانسانی رژیم صهیونیستی در حمله به کاروان آزادی که حامل کمک‌های بشردوستانه برای مردم تحت محاصره غزه بود و به کشته شدن چندین تن از اتباع ترکیه منجر شد تداوم یافت و تا حد بروز تنش در روابط دو طرف



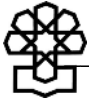
و مطرح شدن امکان قطع روابط سیاسی ترکیه با این رژیم ادامه پیدا کرد. مجموعه این تحولات به تضعیف روند تعاملات و همکاری‌های اسرائیل با ترکیه منجر شده است و این مسئله با توجه به حساسیت‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران نسبت به حضور رژیم صهیونیستی در قلمرو همسایه غربی کشور و نیز ملاحظات ایدئولوژیکی ایران درخصوص سطح همکاری‌های کشورهای مسلمان با این رژیم از اهمیت خاصی برای کشورمان برخوردار است. در دوره حاکمیت سکولارها روابط گسترده ترکیه با رژیم صهیونیستی به‌ویژه در ابعاد نظامی و امنیتی سبب شده که حضور این رژیم تا مرزهای غربی ایران احساس شود، اما تضعیف روابط آنکارا با اسرائیل در سال‌های اخیر این احساس را تا حدود زیادی از بین برده است. ازسوی دیگر روابط نزدیک با یک کشور مسلمان برای رژیم صهیونیستی امتیاز سیاسی مهمی به حساب می‌آید که این امتیاز نیز در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه از این رژیم سلب شده است. رژیم صهیونیستی به‌واسطه تضعیف روابطش با ترکیه (و البته به‌واسطه تحولات دیگری نظیر تقویت جبهه مقاومت در منطقه) بیش از هر زمان دیگری احساس انزوای ژئوپلیتیکی می‌کند.

نکته دیگر آنکه مواضع دولت اردوغان در محکومیت جنایات اسرائیل در غزه و نیز اقداماتی نظیر اعزام کاروان آزادی به غزه، افکار عمومی جهان عرب را بر ضد مواضع منفعلانه دولت‌های عرب تحریک کرده و این دولت‌ها در پیگیری سیاست سکوت در قبال جنایات اسرائیل با فشارهای بیشتری از داخل مواجه هستند. این مسئله شرایط عمومی منطقه را به‌شدت به ضرر اسرائیل تغییر داده است و این موضوعی است که از منظر ملاحظات ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران که



خواستار تضعیف و انزوای هرچه بیشتر رژیم صهیونیستی است از اهمیت خاصی برخوردار است. در چنین شرایطی رأی مثبت مردم ترکیه به فراندوم اخیر به واسطه تأثیر مستقیمی که بر تقویت موقعیت حزب عدالت و توسعه و تضعیف موقعیت سکولارها و نظامیان برجای گذاشت به معنای تداوم روندی خواهد بود که طی سال‌های اخیر بر روابط دولت اردوغان و رژیم صهیونیستی حاکم بوده است. بر همین اساس است که مقامات اسرائیلی نارضایتی فزاینده‌ای از نتیجه فراندوم اخیر در ترکیه دارند. این اعتقاد در میان آنها ایجاد شده است که این فراندوم فرآیندی را سرعت می‌بخشد که مطابق با آن ترکیه به «ایران شماره ۲» برای اسرائیل تبدیل خواهد شد. به‌ویژه مقامات نظامی اسرائیل از جمله «عاموس گیلعاد» از مقامات ارشد وزارت جنگ این رژیم معتقدند که این فراندوم با تقویت دولت اردوغان و تضعیف نظامیان در حال تبدیل ترکیه به یک ایران دیگر در منطقه است و نظام لائیک ترکیه را از بین می‌برد.^(۲۴) طبیعتاً این روند با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران سازگاری بالایی دارد.

از سوی دیگر، موضوع تداوم روند تقویت گفتمان اسلامگرایی در ترکیه و تضعیف رویکرد سکولاریسم نیز هم‌راستایی بالایی با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. به‌ویژه آنکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و ارائه مدل جدید حکومتی مبتنی بر «مردسالاری دینی» نوعی رقابت الگویی در معرفی و ارائه مدل حکومت‌مداری میان ایران و ترکیه نیز شکل گرفته بود. دولت ترکیه در برابر مدل ایران، الگوی نظام سیاسی لائیک را در یک کشور مسلمان ارائه می‌داد و مدعی بود که این مدل با توسعه‌یافتگی سازگاری بیشتری دارد. این مدل مورد حمایت و تجویز کشورهای



غربی برای سایر کشورهای اسلامی خصوصاً کشورهای منطقه خاورمیانه نیز بود. با این حال پیروزی حزب عدالت و توسعه و رشد اسلامگرایی در ترکیه چالش مهمی را در برابر سکولارها و هواداران آن در این کشور ایجاد کرد. به‌ویژه آنکه الگوی مدیریت و حکومت حزب اسلامگرایی عدالت و توسعه به شیوه‌ای به انجام می‌رسد که تعارضی با دموکراسی پیدا نمی‌کند و در عین حال موفقیت‌های اقتصادی قابل توجهی را نیز متوجه جامعه ترکیه می‌کند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که تحولات ترکیه در سال‌های اخیر به تلاش‌های ایران برای اثبات کارآمد بودن دین در اداره جامعه کمک کرده است، کما اینکه در داخل ترکیه و نزد مردم این کشور نیز ادعاهای لائیک‌ها در ترکیه طی چند دهه گذشته مبنی بر تعارض اسلام با دموکراسی، پیشرفت و توسعه‌یافتگی به واسطه عملکرد مثبت دولت اسلام‌گرای اردوغان بی‌اعتبار شده است. این روندی است که به واسطه رأی مثبت مردم ترکیه به فراندوم اصلاحات قانون اساسی تقویت خواهد شد.

در عین حال از منظر تحلیل سیاسی، برخی نگرانی‌ها از تحولات جدید در ترکیه می‌تواند قابل درک باشد. استقبال مقامات غربی از فراندوم اخیر نشانه‌ای از تسریع فرآیند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تفسیر شده است و اساساً اصلاحات جدید در قانون اساسی ترکیه شرایط این کشور را برای پیوستن به این اتحادیه بهبود بخشیده است. عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مسلماً تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی آنکارا برجای خواهد گذارد. مهمترین وجه این سیاست خارجی هم‌راستایی آن با مواضع اتحادیه اروپا در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است. در صورت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا انتظار برای اتخاذ مواضع مستقل و مغایر با سیاست‌های این

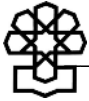


اتحادیه ازسوی آنکارا کاهش پیدا خواهد کرد. در نتیجه قابل پیش‌بینی است که موضع کلی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران با مواضع اتحادیه اروپا همگرایی بیشتری پیدا نماید. این امر احتمال بروز رفتارهایی مشابه با آنچه آنکارا هم‌اکنون در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است را تضعیف خواهد کرد و از استقلال عمل آن در قبال این موضوع خواهد کاست.

دیگر آنکه رأی مثبت مردم ترکیه به فراندوم قانون اساسی و تأثیر آن بر تثبیت موقعیت دولت اردوغان سبب تقویت تلاش‌های این دولت برای ارتقای موقعیت بین‌المللی ترکیه خواهد شد. دولت ترکیه این تلاش‌ها را در راستای تبدیل آنکارا به مهمترین میانجی مناقشات منطقه دنبال می‌کند. چنانچه ایفای این نقش با تلاش‌های مجددی ازسوی این کشور برای برگزاری نشست‌های صلح میان سوریه و اسرائیل یا حماس و اسرائیل دنبال شود، این امر در تعارض با رویکرد اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر عدم سازش با رژیم صهیونیستی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

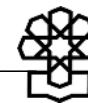
رأی مثبت مردم ترکیه به فراندوم اصلاح قانون اساسی، پیروزی دیگری برای حزب اسلامگرای عدالت و توسعه و شکستی دیگر برای سکولارهای این کشور محسوب می‌شود. این فراندوم نشان داد که جریانی که در ترکیه از سال ۲۰۰۲ و در پی پیروزی این حزب شکل گرفت جریانی مقطعی و گذرا نبوده، بلکه فرآیندی ریشه‌دار است که در پی بازتعریف هویت ملی ترک‌ها و ارائه چهره جدیدی از این کشور در نظام بین‌الملل می‌باشد. از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، ظهور و قدرت گرفتن حزب



عدالت و توسعه معلول تحولات جامعه ترکیه به‌ویژه در ۳۰ سال گذشته بوده که شئون سیاسی این کشور را تحت سیطره کامل نظامیان و سکولارها قرار داده بود و این سیطره تا کودتای سفید فوریه ۱۹۹۷ علیه دولت قانونی نجم‌الدین اربکان نیز پیش رفته بود. پیروزی حزب اردوغان در انتخابات سال ۲۰۰۲ و تکرار موفقیت‌های او در انتخابات مختلفی که در این کشور برگزار شد هم واکنشی به سیاست اسلام‌ستیزی سکولارها و هم عکس‌العملی در برابر دخالت فزاینده نظامیان در امور سیاسی بود که چهره‌ای غیردمکراتیک از این کشور در جهان به نمایش می‌گذاشت. ازاین‌رو قدرت‌یابی دولت اردوغان در سال‌های اخیر نه فقط پیروزی یک حزب سیاسی بر احزاب دیگر، بلکه قوت یافتن جریانی است که با ریشه‌های تاریخی و هویتی ترک‌ها ارتباط عمیقی دارد و برهمین اساس چهره جدیدی از این کشور ارائه می‌کند. بر همین اساس بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترکیه در سال‌های اخیر در حال پوست‌اندازی سیاسی بوده و فراندوم اخیر قانون اساسی مرحله مهم و حساسی از این فرآیند به حساب می‌آید. حزب و عدالت و توسعه اکنون مدیریت این فرآیند را برعهده گرفته و در حال ایفای نقش تاریخی در ترکیه است. پایبندی این حزب به قواعد دمکراسی و تلاش آن برای تثبیت مردم‌سالاری در ترکیه در کنار سیاست‌های اقتصادی موفق این حزب نقش مهمی در تداوم پیروزی‌های آن و تقویت اعتماد مردمی به این حزب به‌عنوان شرط لازم برای ایفای این نقش تاریخی داشته است. اصلاحات قانون اساسی در ترکیه علاوه بر تأثیرات مهمی که در حوزه سیاست داخلی و ساختار حکومت بر جای می‌گذارد همچنین در حوزه سیاست خارجی نیز نتایج قابل ملاحظه‌ای به‌همراه خواهد داشت. علاوه بر تسهیل روند دشوار الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، فراندوم



17. Ibid.
18. Ariel Cohen, "Turkey's Referendum: A Looming Challenge to U.S. Interests?", The Heritage Foundation, 17 September, 2010.
19. Ibid.
20. Bashdar Pusho Ismaeel, "A Referendum on the Taste for Change and the Historical Foundation of Turkey", Kurdish Globe, 18 September, 2010.
21. Reza Aslan, "Turkey's democratic Push: The Passage of Constitutional Reforms Pressed by the Moderate Islamic AKP move the National forward, Los Angeles Times, 17 September, 2010.
22. Ismaeel, Op.cit.
23. Cohen, Op.cit.
24. "Israel analysts see Turkey radicalizing, becoming Iran No. 2", World Tribune, 15 September, 2010.



اخیر در جهت متناسب‌سازی شرایط داخلی ترکیه با نقش بین‌المللی جدید این کشور که از اشتیاق آن برای دخالت در فرآیندهای جهانی و حل‌وفصل مناقشات منطقه‌ای حکایت دارد، ارزیابی می‌شود. از این رو قابل پیش‌بینی است که با انجام این اصلاحات تلاش‌های این کشور برای ایفای نقش جدید خود در منطقه تشدید شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمد قنبری، «پیدایش و تغییرات قانون اساسی در ترکیه»، تابناک، ۵ اردیبهشت‌ماه، ۱۳۸۹.
2. Randy David, "Turkey's Turning Point", Philippine Daily Inquirer, 17 September, 2010.
3. "Turkey and End of Secularism?", Europe News, 17 September, 2010.
۴. قنبری، پیشین.
5. "Turkey Coup Leaders Set to Face Legal Action After Constitution Changes, Maars News, 18 September, 2010.
۶. قنبری، پیشین.
7. David, Op.cit.
8. Gareth H.Jenkins, "Between Fact and Fantasy: Turkey's Ergenekon Investigation", Silk Road Paper, August 2009, P.9.
9. "Turkey and End of Secularism", Op.cit.
۱۰. قنبری، پیشین.
11. "Is Turkey becoming more Democratic, or less So?", Washington post, 19 September, 2010.
12. David, Op.cit
13. Yonca Poyarz Dogan, "Non-Muslim Minorities Expect more Democratization Following Referendum", Today's Zaman, 20 September, 2010.
14. "Turkey and End of Secularism", Op.cit.
15. "Turkey's 'yes' Vote", The Hindu, 17 September, 2010.
16. Mahir Zeynalov, "Brand new Constitution a must for Turkey's Membership", Today's Zaman, 19 September, 2010.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۵۵۶

عنوان گزارش: زمینه‌ها و پیامدهای رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی امیری

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

سروراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. ترکیه

۲. رفراندوم

۳. قانون اساسی

۴. حزب عدالت و توسعه

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۹/۲۸